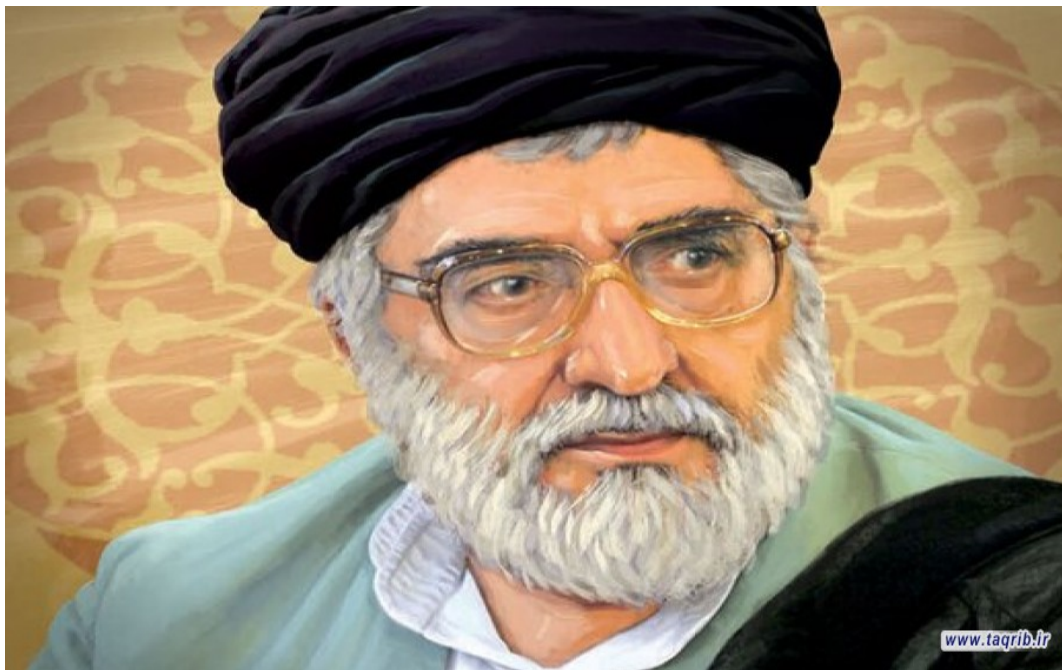


تقریب و ضرورت پیگیری آن در جامعه در گفتگو با مرحوم استاد سیدهادی خسروشاهی



بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم استاد سید هادی خسروشاهی از پیشگامان حرکت تقریب مذاهب اسلامی در قرن اخیر و از اعضای عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بودند که با فعالیتهای تقریبی خویش در کشورهای مختلف اسلامی و آثار ارزشمندی که از خود بجا گذاشتند در گسترش فرهنگ وحدت و تقریب بین مذاهب نقش به سزایی داشتند. آنچه در پیش روی است بازخوانی مجددی است از گفتگویی صمیمانه که جناب آقای باقری به عنوان خبرنگار مجمع تقریب در سالهای قبل از رحلت ایشان با این استاد فقید داشته است.

س. امروزه عده کثیری از اندیشمندان و صاحب نظران بحث وحدت عملی و تقریب نظری را از واجبات اسلام می دانند، نظر حضرتعالی در این زمینه چیست ؟

با توجه به تعلیمات قرآن و احادیث شریفه و عملکرد ائمه هدی علیه السلام جای هیچ شک و تردیدی نیست که وحدت در عمل و تقریب در اندیشه، یکی از ضروریات و واجبات اسلامی در عصر حاضر است.

آیه شریفه وجوب به «اعتصام» بر «حبل الله» و دوری از تفرق و جدائی، برای هر فرد مؤمن و متشرعی، راهنمای عمل است. در روزگاری که دشمنان اسلام و در رأس آنها یهود و نصاری با تمام توان خود در ایجاد اختلاف بین مسلمانان می کوشند و بسیاری از سرزمین های اسلامی را اشغال کرده اند و در عراق و افغانستان و فلسطینی و سومالی و ... به قتل عام مسلمانان مشغول هستند، تنها وحدت اسلامی برادران مسلمان و تعاون و همکاری آنان در دفاع از اسلام و سرزمین های اسلامی است که می تواند راه گشا و نجات بخش باشد.

س. به نظر شما دشمن اسلام اعم از داخلی یا خارجی، تا چه حد در ایجاد فتنه میان مسلمانان موفق بوده اند ؟

متأسفانه دشمنان اسلام بطور مستقیم و یا توسط ایادی و مزدوران خود، در بلاد اسلامی به ایجاد فتنه و تفرقه می پردازند و در این رابطه همه وسائل و امکانات موجود در جهان را اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - به کار می گیرند، تردیدی نمی توان داشت که آنها، با وجود اختلاف بین مسلمانان، در هدف خود موفق خواهند بود، همانطور که هم اکنون در نقاط مختلف جهان اسلام شاهد چگونگی آن هستیم البته در این راستا عوامل سیاسی و حاکمان فاسد و قلم به مزدان اجاره ای و مفتیان نفتی، نقش اساسی را بعهده گرفته اند و با صادر کردن فتاوی تکفیری و یا نوشتن و چاپ کتاب های تفرقه انگیز در سطح جهانی و هم به زبان های زنده دنیا (که متأسفانه آن ها را حتی در مراسم حج هم توزیع و پخش می کنند) آتش فتنه و تفرقه را روشنتر و داغ تر می کنند.

س.اگر تقریب یک نیاز ضروری است که باید به صورت یک فرهنگ در جامعه درآید، راهکار حضرتعالی برای نشر این فرهنگ چیست ؟

نخبگان علما و اندیشمندان جهان اسلام با روشنگری و آگاهی بخشی به توده های عوام و بیان حقایق اسلامی و اعلام وجوب وحدت مسلمانان و حرمت نفاق و اختلاف می توانند به تدریج و با آرامش آثار تلاش های تفرقه افکنان را خنثی سازند و البته این امر با واکنش های منفی و اقدامات سلبی و نشر کتب مضاد با همان لحن و ادبیات هرگز سازگار نیست بلکه باید با دلیل و منطق و برهان عموم مردم را با حقایق آشنا ساخت و دشمنان را در عمل خلع سلاح کرد.

س. افراط و تحجر دو مقوله معروف در تمام ادیان و مذاهب اند که این را از عوامل مهم عقب ماندگی جوامع بشری می دانند ، در اسلام چه آموزه هایی داریم تا در برابر این عوامل ایستادگی کنیم ؟

دفع افراط و تحجر با توجه به آموزه های صحیح و راستین اسلامی کاملاً امکان پذیر است ... و ما اگر حقایق مطرح شده در آیات و احادیث و سیره پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی(علیهم السلام) را به روشنی و شفاف در جوامع اسلامی و توسط رسانه های جمعی و خطبه های نماز های جمعه و مجالس تفسیر و تبلیغ بیان و اعلام کنیم بی تردید اکثریت افراد غافل و جاهل به راه راست هدایت خواهند شد و افراد اندک باقیمانده هم باید توسط نیروهای مسئول تحت کنترل درآیند و به آن ها اجازه داده نشود که با سوء استفاده از آزادی ها به انجام کارهای خلاف شرع و عقل بپردازند و به اخلاق در افکار و اندیشه های مردم ادامه دهند.

س. به نظر شما چه کسانی از وحدت مسلمین رنج می برند و چه کسانی از تفرقه مسلمین زیان می بینند؟ چگونه می توان برای بازگرداندن عزت اسلامی تلاش نمود؟

دشمنان اسلام و در رأس آنها یهود نصاری- که به تعبیر قرآن هرگز از ما مسلمانان راضی نخواهند شد، مگر آنکه از راه و روش آن ها پیروی کنیم - از هرگونه وحدت و تقریب امت اسلامی خشناک خواهند بود و امت اسلامی نیز خود در اثر همین تفرقه ها بیشترین ضرر و زیان را در همه زمینه های زندگی متحمل خواهند شد!

برای بازگرداندن عزت اسلامی پیشاپیش، راهی جز بازگشت به خویشن خویش وجود ندارد و باز آموزه های قرآن به ما یاد می دهد که خداوند وضع هیچ قوم و ملتی را دگرگون نخواهد کرد مگر آنکه آن ها روش و وضع خود را تغییر دهند.

س. آیا دعوت دیگران به مکتب اعتقادی و مسلک اخلاقی بادشنام و لعن و تکفیر امکان پذیر است ؟

لعن و تکفیر و دشنام از نظر قرآن حتی در مورد کسانی که خداوند سبحان را ناسزا می گویند و سب می کنند جایز نیست سیره پیامبر و ائمه هدی علیهم الصلاة و السلام هم همین نکته اساسی را نشان می دهد.

بطور قاطع می توان گفت که سب و لعن مقدسات ادیان و مذاهب دیگر حقیقتاً بر خلاف موازین شرعی است ... در جایی که حضرت علی علیه السلام برای حفظ اسلام و قرآن حاضر می شود 25 سال تمام سکوت کند و به

خلفاء عصر خود مشورت دهد و با آنها عملاً همکاری کند، معقول به نظر نمی رسد که پیروان واقعی آن حضرت به لعن و سب و دشنام به مقدمات مذاهب دیگر بپردازد.

حضرت علی علیه السلام در نامه ششم نهج البلاغه در مورد مخالفان خود و در رأس آن ها «معاویه» که خلافت آن حضرت را نمی پذیرفت مطالبی دارد که متأسفانه در محافل ما کمتر مطرح می شود و به نظر من اگر شیعیان در محتوی دینی آن دقت کنند زمینه های بسیاری از اختلافات بطور کلی منتفی می گردد. همچنین آن حضرت در نامه 62 نهج البلاغه هم خطاب به مالک اشتر می فرماید: «من دست خود را از خلافت پس کشیدم چون دیدم که گروهی از مردم از اسلام برگشته اند و مردم را به نابودی دین محمد (صلی الله علیه و آله) می خوانند و ترسیدم که اگر به یاری اسلام نشتابم شاهد شکاف و صدمه ای در اسلام خواهم بود که مصیبت آن از فقدان ولایت شماها که چند روزی بیش نخواهد بود درد ناک تر است؟! فامسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت فخشیت أن لم انصر الاسلام و اهله... تكون المصيبة به علی اعظم من فوت ولايتکم... پس بنابراین رهنمودها، ما نه تنها حق نداریم که به سب و لعن بپردازیم بلکه باید به یاری اسلام بشتابیم که در غیر این صورت مصیبت خیلی بزرگتر و دردناکتر از فوت مسئله حق و ولایت چند روزه امام خواهد بود.

آیا خطر انهدام قدس شریف و سلطه امپریالیسم برجهان اسلام و ادامه اشغال فلسطین و هجمه همه جانبه بر بلاد اسلامی چون عراق و افغانستان کمتر از خطرهای موجود در عصر خلفاء است؟ انهدام اسلام و دین محمد (صلی الله علیه و آله) که علی علیه السلام از آن ترس و بیم داشت در عصر ما چگونه خواهد بود؟

ما باید در قبال این هجمه ها و یورش ها بیدار شویم و به خاطر مصلحت برتر و حفظ اساس اسلام متحد شویم...

س: بعضی ها می گویند ما باید با مخالفان مذهب خود، رفتار دوستانه ای نداشته باشیم چون آنها با ما هم عقیده نیستند و ولایت اهل بیت را قبول ندارند؟

این ادعا نیز بی اساس بوده و با روش ائمه هدی (علیهم السلام) تضاد آشکار دارد. بی مناسبت نیست در این رابطه یک روایتی از امام صادق (ع) بیاوریم که در رابطه با رفتار با مخالفان! و در پاسخ پیروان آن حضرت مطرح شده .

کیف یبغی لنا أن نضع فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطائنا من الناس ممّن لیسوا علی امرنا؟ قال:

تنظرون الى أئمتكم الذين تقتدون بهم فتصنعون ما يصنون فوالله انهم ليعودون مرضاهم و يشهودن جنازهم و يقيمون الشهاده هم و عليهم و يردون الا ما نه اليهم...

یعنی چگونه رفتار کنیم با مردمی که با آن ها معاشرت داریم ولی هم مذهب ما نیستند؟ فرمود: به روش امامان خود نگاه کنید که از آن ها پیروی نمائید و همان کاری را انجام دهید که آنها انجام می دهند.

به خداوند سوگند که پیشوایان شما از بیماران آن ها عیادت می کنند و در تشییع جنازه آن ها شرکت می نمایند و شهادت حق را بر سود یا زیان آنها ادا می کنند و امانت آن ها را باز پس می دهند... (مراجعه کنید به اصول کافی شیخ کلینی ج2 کتاب العشرة ص 636).

پس شیعه علی و ائمه، هدف را فدای مصلحت نمی کند و از هر وسیله نامشروعی برای رسیدن به آن استفاده نمی کند و با این فرهنگ ولایتی راستین، راه خود را از شیعه آل ابی سفیان جدا می کند!

بطور کلی هر نوع تخلف از این رهنمودها و دستور العمل ها نشان خواهد داد که عامل آن شیعه واقعی نیست و راهرو راه حق ائمه هدی محسوب نمی شود.

س.کنفرانس ها و رفت و آمدهای علما و دانشمندان و بحث های علمی تا چه حد در حرکت تقریب موثر بوده است ؟

تشکیل کنفرانس ها و همایش ها و شرکت اندیشمندان و علما در آن ها و انجام مکاتبه دوستانه و روشنگر و هدفمند و تشکیل جلسات علمی برای بحث در مسائل مختلف و رسیدن به جمع بندی های متفق علیه و ارزشمند برای جامعه اسلامی یک ضرورت حتمی است. و این دیدارها و گفتارها و مباحثات، بی تردید در روشن شدن افکار طرفین نقش اساسی و سازنده ای دارد و در حد بسیار بالایی در اصلاح امور و برطرف کردن اختلافات تأثیر گذار است.

در اثر این دیدارها و همایش ها در نهایت همگان به این نتیجه می رسیم که در آنچه که اتفاق نظر داریم متحد شویم و در آنچه که هم عقیده نیستیم همدیگر را معذور بداریم؛ به قول شهید شیخ حسن البناء « فلننتد فیما نتفق بعضنا البعض فیما نختلف » و السلام علیکم